



مقطع تحصیلی: کاردان کارشناسی رشته: معماری داخلی. ترم: دوم سال تحصیلی: ۱۳۹۸-۱۳۹۹

نام درس: مبانی معماری نام و نام خانوادگی مدرس: شیما نادری
 آدرس email مدرس: shima.naderii@gmail.com تلفن همراه مدرس:

جزوه درس: مبانی معماری مربوط به هفته : هشتم
 text: دار ندارد voice: دارد ندارد
 power point: دارد ندارد
 تلفن همراه مدیر گروه :

جلسه هشتم

مفهوم فرم و فضا در معماری

فضا در معماری از موضوعاتی است که تقریباً هر شخص تعبیر متفاوتی از آن دارد. در طول عمر هر معمار این تعریف بارها بازبینی شده و گاهی حتی تعاریف متناقضی از آن ارائه شده است. اما آن چه که تقریباً همه معماران و صاحب نظران نسبت به آن توافق دارند این است که **معماری هنر خلق فضا است** و فضا جز با مفهوم و فرم خلق نمی شود. این موضوع دقیقاً رابطه ای رفت و برگشتی میان سه عنوان **معماری، فضا و فرم** پدید می آورد که به یکدیگر وابسته بوده و از یکدیگر تأثیرپذیر هستند. معماری بنام لویی کان معتقد است ذرات فضا چیزی را باز می نمایند که فضا می خواهد باشد در حالیکه از دیدگاه آگوست پره **معماری هنر سازماندهی فضا است** و این هنر از راه ساختمان بیان می شود. این دو تعریف دقیقاً نوع نگاه هر شخص به مقوله فضا را نشان می دهد که می تواند جزئی یا کلی باشد.

فرم در حقیقت زبان گویای فضا است، آن چه که معماران می خواهند بیان کنند به وسیله فرم به فضا تبدیل می شود. در حقیقت فرم نحوه ی شکل گیری و پیام یک فضا را به مخاطب انتقال می دهد. تصور کنید از دیدن تعدادی چندین حجم مثلثی تنش بیشتری در شما ایجاد می شود یا دیدن دوایر در هم تنیده و به یکدیگر متصل؟

یا فرض کنید در راهرویی ۶۰ سانتی میان دو دیوار طویل به ارتفاع ۱۵ متر در حرکت هستید چه احساسی خواهید داشت؟ این احساس دقیقاً تعریف **فضا در معماری** است، حال فرض کنید در حالت اول این دو دیوار از جنس بتن اکسپوز به رنگ طوسی تیره باشند و در حالت دوم از جنس چوب های تنه ی یک درخت؟ آنگاه چه احساسی خواهید داشت؟

این جا دقیقاً مشخص می شود که تنها فرم، پدید آورنده معماری نیست بلکه متریال ها و مصالح و حتی رنگ ها می توانند

قابل توجه مدرسین محترم : حداقل ۴ صفحه در هر هفته برای ارائه محتوای درس و یک صفحه برای خلاصه درس و نمونه سولات در نظر گرفته شود.



در حس یک فضا بسیار موثر باشند. حال فرض کنید در یک حالت سراسر این دو دیوار نورپردازی از رنگ سفید شده باشد و در حالت دیگر هیچ نوری این دو دیوار را روشن نکرده باشد و کل راهرو تاریک باشد، در هر کدام چه احساسی خواهید داشت؟ کدامیک ترسناک تر و کدامیک جذاب تر خواهد بود؟ پس این مثال نیز نشان می دهد کیفیت فضا از نوع نور و روشنایی نیز تاثیر می گیرد.

در رابطه با همین دو دیوار که مثال بسیار ساده ای هستند می توان موارد بیشتری را بررسی کرد. مواردی همچون صدا، بو، دمای محیط، بافت، تصویر و غیره. تمام این مثال ها زده شد تا دقیقا به این نکته اشاره شود که کیفیت یک فضا تابع شاخصه های بسیاری است و یکی از مهمترین این شاخصه ها فرم است. اما فرم تنها شاخصه ی موثر بر فضا نیست، فرم تحت تاثیر عوامل دیگر می تواند کیفیت و حتی کمیت فضا را تغییر داده و بر آن افزوده یا بکاهد. به طور مثال اتاقی با دیوارهای سفید نسبت به همان اتاق با دیوارهای مشکی بزرگتر به نظر می رسد. در دسته بندی معماران تقسیمات بیشتری برای فضا در نظر گرفته می شود. **فضاها** به انواع، عمومی، خصوصی، نیمه خصوصی، نیمه عمومی، باز، نیمه باز، بسته و ... تقسیم بندی می شوند. این تقسیم بندی تا آن جا ادامه می باید که در محیط شهری مقوله ای به نام فضای شهری مطرح شده و در چندین رشته تخصصی به آن نیز پرداخته می شود.



فرم در معماری

معماری چیست؟ فرم مجسم اصیلترین اندیشه های انسانی! شوق او! انسانیت او! ایمان او! دین او! این چیزی ست که روزی معماری بود. والتر گروپوس، ۱۹۱۹

قابل توجه مدرسین محترم: حداقل ۴ صفحه در هر هفته برای ارائه محتوای درس و یک صفحه برای خلاصه درس و نمونه سولات در نظر گرفته شود.



فرم و خلق فضا

فرم را می‌توان زبان فضا دانست؛ چرا که آنچه را معماران در فضا می‌خواهند بیان کنند را با توجه به فرم بیان می‌کنند به همین دلیل فرم دارای اهمیت ویژه‌ای در آفرینش فضا است. اهمیت فرم را می‌توان در دوره معاصر جست‌وجو کرد یا به نوعی از زمان جدایی دو هنر نقاشی و مجسمه‌سازی از معماری، معماران برای ایجاد نوعی استقلال، به فرم اهمیت دادند، اما این مطلب گویای این نیست که فرم در معماری گذشته دارای اهمیت نبوده در واقع دنیای درونی و خاص هر فرد تا ابراز نگردیده از طرف مخاطبان مورد نقد قرار نمی‌گیرد که این ابراز را می‌توان در معماری، تحت عنوان فرم بیان داشت که اتصالی درونی را بین ناظر و فضا به وجود می‌آورد در واقع می‌توان فرم را زبانی یا واسطی برای انتقال مفهوم فضا به انسان بیان نمود که به عنوان ابرازی کار آمد در اختیار طراحان و معماران قرار دارد.

خصیصه اصلی هر معماری را می‌توان تولید فضا برای زندگی تعریف نمود و مسلماً درک هر فضا با توجه به تفکرات فرهنگی و اعتقادی هر منطقه، متفاوت است که در واقع این فضاها را فرم‌هایی تشکیل می‌دهند که بتوان آنها را مکان نامید تا از طریق مکان به درک فضا نائل آیند. در واقع پیدایش فرم در معماری را می‌توان در رابطه مستقیم فرهنگ و اعتقاد مردم دانست که تحت اشکال، جهت، رنگ و جنسیت خاصی تعریف می‌گردد که با کمک این چهار عامل، موفق به نمود فضا در بعد فیزیکی و کلید ورود به فرهنگی است که این فضا را تولید می‌کنند. در واقع فرم را می‌توان نمود فیزیکی تفکرات و سنت انسان‌هایی دانست که به تولید فضا اقدام نموده‌اند پس با درک درست از فرم تولید شده می‌توان به درک صحیح فضا نزدیک شد. ” در زیباشناختی فرم یا صورت تظاهر حسی و واضح یک شیء است و این بیانی است که خود را در معرض قضاوت قرار می‌دهد. فرم یا صورت در طبیعت مستند هستند یعنی متأثر از محتوای خود هستند. پس از صورت از پیش داده شده است و نمی‌توان به میل خود آن را تغییر داد.

(”گروتر (آدورنو می‌گوید : ” صورت چنانچه از خود لفظ پیدا ست فرم یک چیز است و خود آن چیز اجازه ندارد به تکرار بی مورد خود منجر شود .

”در ادامه گروتر می‌گوید:

” شکل دادن یعنی پردازش اشکال و این بدان معنی است که فرم به گونه ای انتخاب شود که با محتوا و ایده طرح تطابق داشته باشد.

براین اساس شکل پردازی صوری با توجه به فرم ، وابسته به عوامل گوناگون است. به عنوان مثال فرم یک گشودگی در یک دیوار بایستی تابع جنس و ساخت دیوار نیز باشد . گشودگی در یک دیوار آجری احتیاج به قوس دارد. در حالی که در دیواری از فولاد و شیشه گشودگی زاویه دارد مناسب تر به نظر می رسد. فرم یا صورت متأثر از محتوا است.”

به قول آدورنو :



”میزان موفقیت **زیباشناختی** تابعی است از میزان موفقیت فرم در انتقال محتوا. ”” فضا به وسیله عناصری که آن را محدود کرده اند مشخص یا اصطلاحاً تعریف می شود. این عناصر ارتباطشان با یکدیگر هستند که شخصیت یک فضا را می سازند و به فضا فرم می دهند. اگر بخواهیم نظم در دنیای بی نهایت وسیع فرم ها بوجود آوریم به ناچار اولین قدم تقسیم فرم ها به دو دسته فرم های باقاعده و فرم های بی قاعده است.

فضا و معماری

فضا واژه‌ای است که در زمینه‌های متعدد و رشته‌های گوناگون از قبیل فلسفه، جامعه‌شناسی، معماری و شهرسازی و... به‌طور وسیع کاربرد دارد. البته فضا در مفهوم به تنهایی هیچ ویژگی خاصی را مطرح نمی‌کند ولی به محض درک شدن توسط شعور انسانی و انجام نوعی فعالیت به مکان تبدیل می‌شود. به نوعی می‌توان آن را گستره‌های فراگیر از «چگونگی» های گوناگون که همزاد و همراه با اندیشه‌ها و پندارهای آدمیان، در هر مکانی، رنگ و حال خاص پیدا می‌کند و دارای توان ارزشی متفاوت است، تعریف کرد.

البته فضا به طور کلی مکان دانسته می‌شود هر چند ارسطو فضا را جای دهنده یا گنجانه چیزهای مختلف می‌داند یا مجموعه‌ای از مکان‌ها تعریف می‌کند و افلاطون از هندسه به عنوان علم فضا یاد می‌کند که مرلپونی در تکمیل آن این گونه اظهار نظر می‌کند: «فضا گستره یا محیطی نیست که اشیا در آن استقرار یابند، اما وسیله‌ای است که بر مبنای ذات‌اش ممکن می‌شود جای گرفتن اشیا در آن تحقق پیدا کند». و نیوتن نیز با نظریه تعریف سه بعدی و مطلق و متشکل از زمان و کالبدهایی که آن را پر می‌کند نیز به تایید افلاطون پرداخت یا دکارت که بر این عقیده بود که فضا خصوصیتی متافیزیکی دارد.

با اینکه بسیاری از معماران، فضا را ذات و ماهیت معماری می‌دانند و با وجود مطالب زیادی که در باب اهمیت فضا در معماری عنوان شده و می شود، در فرهنگ‌ها و دائره‌المعارف‌ها تعریفی از مفهوم فضا در معماری به چشم نمی‌خورد. فقدان واژه فضا در کتاب های مرجع معماری نیز کاملاً قابل توجه و تعجب‌انگیز است.

دلیل این امر شاید این باشد که تلقی و کاربرد معماران از واژه فضا چنان واضح است که نیازی به توضیح واژه‌ای کاملاً مشخص، احساس نمی‌کنند. اما این برهان ساده، آنجا که در می‌یابیم این واژه در متن تاریخ طولانی معماری نسبتاً جدید می‌باشد و در دهه‌های اخیر مفهومی بحث انگیز بوده است، اعتبار خود را از دست می‌دهد.

با توجه به کمبود منابع جامع درباره فضای معماری و جدید بودن این مبحث، برای تبیین مفهوم فضا در تئوری معماری، بایستی به دیدگاه‌های معماران و نظریه‌پردازان در مورد مفهوم فضای معماری استناد نماییم. در میان نظریه پردازان معماری مدرن، برونو زوی و زیگفرید گیدئون از جمله افرادی هستند که به شکل نسبتاً جامعی مفهوم فضای معماری را مورد کنکاش قرار داده و سعی نموده اند اهمیت آن را در معماری باز نمایند.

برونو زوی معماری را هنر فضا و فضا را ذات معماری معرفی می‌کند، ولی او طبیعت فضای مورد بحث را مشخص



نمی‌نماید. برداشت او از فضا صورت واقع‌گرایانه دارد. به اعتقاد او، نماها و دیوارهای یک خانه، کلیسا یا کاخ مهم نیست که چقدر زیبا باشند، آنها تنها ظرف‌اند و به جعبه شکل می‌دهند، نهاد و مظهر فضا داخلی است. ذات معماری برای زوی، سازمان‌دهی معنادار فضا از طریق فرایند محدودسازی است. بنابراین از این دیدگاه، فضا ماده‌ای با گسترش یکسان است که می‌توان از طریق تعیین محدوده‌ها در آن، به شیوه‌های مختلف به آن شکل داد.

برونو زوی با تعمیم مفهوم فضای معماری، فضای جدیدی با عنوان فضای شهری را نیز تعریف می‌نماید. او بر این عقیده است که تجربه فضایی معماری در شهر تداوم می‌یابد، در خیابان‌ها، میدان‌ها، کوچه‌ها، پارک‌ها، استادیوم‌های ورزشی، حیاط‌خانه‌ها و در هر جایی که ساخته دست انسان خلاءها را محدود کرده و فضاهای بسته‌ای بوجود آورده است. اگر در داخل بنایی فضا محدود به شش سطح باشد (کف، سقف و چهار دیوار)، بدین مفهوم نیست که خلاء بسته شده در پنج سطح (مانند یک حیاط یا یک میدان) به جای شش سطح، فضا به شمار نمی‌آید. اما آیا می‌توان حرکت در فضای بزرگراه مستقیم الخط و یکنواختی را که کیلومترها در دشتی غیرمسکونی پیش رفته است، به عنوان یک تجربه فضایی مطرح ساخت؟ مسلم است آنچه در جهت دید به‌وسیله یک سطح چه از طریق دیوارسازی و یا از طریق کاشتن درخت و یا به‌وسیله عناصری که فضاهای معماری را متمایز می‌کنند، محدود شده باشد، فضای شهری محسوب می‌شود. زوی با استناد به توضیحات فوق، چنین نتیجه‌گیری می‌کند که هر بنا هم‌زمان دو فضا را بوجود می‌آورد: فضای داخلی که به‌وسیله اثر معماری معین شده است و فضای خارجی یا شهری که به‌وسیله آن اثر معماری و آثار نزدیک به آن ایجاد شده است.

مفهومی که برونو زوی از فضای معماری مطرح می‌نماید، هنوز مقبولیت عام دارد و مورد استناد بسیاری از نظریه پردازان می‌باشد. برای مثال به گفته وان درلان، فضای معماری با برافراشتن دو دیوار پا به عرصه وجود می‌نهد، دو دیوار فضایی جدید میان خود پدید می‌آورند که از فضای طبیعی پیرامون آنها مجزا می‌شود.

در واژه‌نامه تخصصی معماری واژه فضا در حوزه معماری و هنرهای دیداری این گونه تعریف شده است

فضا: حوزه‌های گسترش یابنده و در عین حال فراگیرنده بوده و جایگاهی یا محیطی را در ابعاد جسمانی یا فیزیکی و

روانشناختی تعریف می‌نماید. از کل روابط شکل، رنگ و حرکت شکل گرفته، گاه خالی یا منفی است

و گاه فاصله میان عناصر را مشخص می‌نماید، خواه این فاصله در سطح باشد یا در عمق که توسط قواعد پرسپکتیو مجسم می‌شود.

فضای دو بعدی فقط طول و عرض داشته، فضای تری‌نیمی نیز به طول و عرض محدود می‌باشد.

اجزاء و مثل اتاق‌ها و تالار و حیاط، جای تهی، حجم پر نشده و توخالی، کیفیت و بیان معماری. فضای سه بعدی: شامل عمق، طول و عرض. فضای چهار بعدی، علاوه بر ابعاد سه گانه بعد زمان را می‌رساند که به آن، فضای لایتناهی می‌گویند.

قابل توجه مدرسین محترم: حداقل ۴ صفحه در هر هفته برای ارائه محتوای درس و یک صفحه برای خلاصه درس و نمونه سؤالات در نظر گرفته شود.



گویند. تصویری است که توهم فضا در آن معادل بی کرانگی در محیط است. فضای کنترل شده ساختمان: بخش هایی از فضای داخلی ساختمان که مورد استفاده انسان ها قرار می گیرد و در طول اوقات سرد سال، گرم شده و طی اوقات گرم سال خنک می شود. شرایط حرارتی این فضاها در ساختمان باید در محدوده آسایش باشد. فضای کنترل شده ساختمان: بخش هایی از فضای داخلی ساختمان که در اوقات گرم یا سرد سال ضروری نیست خنک یا سرد شوند. م. انبارها، پارکینگ هایی که از سه طرف با دیوار محصورند، دالان ها و مانند آن ها. فضای معماری: فضایی که توسط سطوح: به شکل های مختلف محدود گشته و به عملکردهای تعیین شده پاسخ می گوید که موضوع و جوهر اصلی معماری است. فضای معماری: معماری عبارت است از علم و هنر شکل بخش فضای زیست انسان، به عبارت دیگر: معماری به وجود آورنده فضایی است که انسان را از عوامل طبیعی مصون داشته و فعالیت زندگی فردی و اجتماعی او را در برگرفته و به نیازهای مادی و معنوی انسان پاسخگو خواهد بود. پس می توان گفت: فضایی که توسط سطوح عمودی و افقی به وجود می آید، موضوع و جوهر اصلی معماری است به عبارت دیگر موضوع اصلی و در حقیقت جوهر معماری فضا است. یک ساختمان، فقط مجموعه ای از طول، عرض و عمق نیست بلکه مجموعه ای است از اندازه های مختلف فضاهای خالی که انسان می تواند در آن حرکت و زندگی کند.